

طراحی مقدماتی مدل حیا مبتنی بر برداشت از آیات قرآن و مقایسه آن با روان‌شناسی شرم

نویسندگان: صدیقه اسدیان^۱، ثریا قطبی^{۲*} و محمدرضا شعیری^۳

۱. کارشناس ارشد دانشگاه شاهد

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد

۳. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه شاهد

*Email: sghotbi@shahed.ac.ir

چکیده

هدف اساسی تحقیق حاضر تعیین مفهوم و ابعاد حیا در قرآن با نیم‌نگاهی به روانشناسی شرم و نیز دستیابی به مدل مقدماتی حیا مبتنی بر برداشت از آیات قرآن بوده است. پژوهش حاضر پیرو طرحی توصیفی از نوع کتابخانه‌ای - اسنادی است بدین خاطر در آغاز مبتنی بر واژه شناسی حیا، تمام آیات مرتبط در قرآن، مورد بررسی قرار گرفت سپس مدل مقدماتی بر اساس برداشت از آیات قرآن ترسیم گردید یافته‌های پژوهش بیانگر نکات ذیل بوده است: (۱) واژه «حیا» در قرآن دقیقاً به همین شکل نیامده است اما «استحیاء» از ریشه «ح ی ی» به صورت‌های مختلف ۱۰ بار به کار رفته است (۲) حیا به عنوان یک ویژگی بنیادین در دو گستره مطرح است صفتی است که از یک سو با معیارهای الهی و از سوی دیگر با عقل و معیارهای درونی شده الهی در تماس است این ویژگی محافظ نفس است و با توجه به دو عامل جنسیت و شرایط، می‌تواند بر اساس روش‌های متعددی در گستره بدن و رفتار خود را آشکار سازد (۳) شباهت مهم دو سازه حیا و شرم در آن است که بنیادی‌تر از بسیاری از رفتارهای دیگر تلقی می‌شوند تمایز اساسی عبارت است از این که معیارهای بنیادین مورد اشاره در حیا به معیارهای دینی باز می‌گردد در حالی که در روان‌شناسی شرم این معیارها از شرایط فرهنگی اجتماعی اخذ می‌شوند (۴) مدل مقدماتی حیا مبتنی بر برداشت از آیات قرآن، حیا را به عنوان ویژگی بنیادین محافظت از نفس بر اساس نظارت خداوند، با توجه به شرایط فردی و اجتماعی، در گستره بدن و روان مطرح می‌سازد

کلید واژه‌ها: قرآن، اخلاق، حیا، روانشناسی، شرم

روان‌شناسی بالینی و شخصیت

دانشور

و هتار

• دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۶

• پذیرش مقاله: ۹۴/۲/۲۲

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Twenty-Second Year, No.12
Spring & Summer
2015

Clinical Psy. & Personality

پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال بیست و دوم - دوره

جدید شماره ۱۲

بهار و تابستان ۱۳۹۴

مقدمه

چرا در نگاه پیامبر(ص) حیا، خلق و خوی اسلام [۱] و یا به دیگر سخن همه ی دین است [۲] و از چه روی امام کاظم (ع) فشرده سخن پیامبران را در این جمله محصور می کند که هر گاه حیا نداشتی هر کاری می خواهی انجام بده [۳] و به چه سبب امام علی (ع) «حیا را وسیله رسیدن به هر زیبایی و نیکی می داند» [۴] این تأکیدات همه نشان از اهمیت حیا در رفتار آدمی است.

به منظور دریافت معنای حیا لازم است تا ابتدا این واژه در کتب لغت مورد بررسی قرار گیرد. حیا از ریشه «ح ی ی» در ابتدا به پشت حیوانات ماده سم دار و نیز فرج کنیز و شتر گفته می شد «الحياء اسمٌ للدُّبُرِ مِنْ كُلِّ أُنْثَى مِنَ الظَّلْفِ وَالْخُفِّ» و «الحياء فَرْجُ الْجَارِيَةِ وَ النَّاقَةِ» [۵] سپس این مفهوم گسترش یافت و به معنای تغییر و انکسار درونی [۶]، حشمت [۷] و انقباض نفس از انجام کارهای قبیح و ترک آن به جهت زشتی عمل [۸] بکار رفت تعبیر "مخالفة الذم" در عبارت «الحياء هو الانقباض و الانزواء عن القبيح مخالفة الذم» از سوی طریحی [۹] نشان می دهد که انقباض و دوری از انجام کار زشت به جهت ترس از مذمت است در تعریف یاد شده دو عنصر فاصله گرفتن از کار زشت و نگاه ویژه دیگران به چشم می خورد

توجه به متون اخلاقی و عرفانی در مورد حیا، بیانگر ویژگی های یاد شده است رازی حیا را نوعی انقباض نفسانی از ارتکاب امور ناپسند می داند که منشأ آن ترس از سرزنش است [۱۰] عبارت "الحياء لا يكون إلا في القبائح الشرعية أو العقلية أو العرفية" از نراقی [۱۱] نشان می دهد گستره حیا به گونه ای است که علاوه بر اجتناب از گناهان شرعی پرهیز از آنچه که عقل و عرف ناپسند می دارند را هم شامل می شود

صفتی چون وقاحت [۱۲] و بی مبالاتی در ارتکاب محرمات شرعی و زشتی های عقلی و عرفی، بد زبانی [۱۳] و پرده دری [۱۴] با واژه ی حیا تقابل معنایی دارند همچنین واژه «خُلَع» به معنای کندن لباس به طور مجاز با واژه «حیا» در تضاد است [۱۳]

حیا موهبت الهی است و آشکار شدن آن در اوان طفولیت نشان از ظهور نور عقل در انسان دارد [۱۴] شاید به همین جهت باشد که پیامبر (ص) حیا را دو چشم برای عقل برمی شمرد [۱۵]

بر اساس متون روایی برخی عوامل شناختی از جمله آگاهی از نزدیک بودن خداوند به بندگان باعث بروز خصلت حیا می شود روایت امام سجاد (ع) «اسْتَحْيِ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ» [۱۶] بخوبی نشان می دهد که آن حضرت نزدیکی خداوند به بنده را عامل حیای انسان بشمار آورده اند در کنار این عامل، آگاهی از نظارت خداوند بر اعمال بشر باعث نشأت حیا می گردد روایت امام صادق (ع) «عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ فَاسْتَحْيَيْتُ» [۱۷] به طور صریح تأکید می کند که آگاهی از ناظر بودن خداوند بر اعمال بندگان از عوامل بروز حیا است از این روی امام علی (ع) میان حیا، پرهیزکاری و دین ارتباط برقرار نموده و کم بودن حیا را موجب نقصان پرهیزکاری و دین ذکر می فرماید [۱۸]

بررسی پیشینه ها در مورد حیا بیانگر دو دسته از آثار است: یکدسته فقط مروری بر مفهوم و دسته بندی حیا داشته اند و دسته ای دیگر مدعی پژوهش در گستره حیا در بعدی خاص هستند به عنوان مثال عمرو [۱۹] در اثر خود تحت عنوان "اخلاق المومن" بر اساس روایات اهل سنت، حیا را جزء ده صفت از صفات اخلاقی دانسته و بر این اساس به انواع حیا مانند حیای جنایت، تقصیر، بندگی و محبت اشاره کرده است حرزاده [۲۰] در اثر خود با عنوان "حیا، زیبایی بی پایان" ضمن بیان اهمیت حیا موضوع اکتسابی یا ذاتی بودن آن را مورد بررسی قرار داده و خجالت را بعد منفی حیا تلقی می کند که در نهایت منجر به محرومیت از حق می شود

بانکی پورفرد [۲۱] در اثر خود با نام "حیا" به جلوه های حیا در اعضا و جوارح پرداخته و عوامل و موانع ظهور آن را مورد مذاقه قرار داده است پسندیده [۲۲] در کتاب خود با عنوان "پژوهشی در فرهنگ حیا" بدون پرداختن به بخش های نظری سعی نموده تا جنبه های مختلف حیا را با استفاده از آیات و روایات تبیین نماید

خواسته‌ها، احساس می‌کند [۲۳] معمولاً زمانی احساس شرم بوجود می‌آید که عمل ناشایستی انجام پذیرفته باشد عملی که ممکن است به نظر دیگران یا حتی صرفاً به نظر خود فرد ناشایست باشد [ونگ و تسای، ۲، ۲۰۰۷] به نقل از تنها، رحمانی، نیک پور [۲۴] روان‌شناسان معتقدند که احساس شرم و گناه در تعاملات بین فردی، وقتی به وجود می‌آید که شرایط زیر فراهم باشد: ۱ انجام دادن عملی احمقانه یا غیر اخلاقی؛ ۲ پی بردن دیگران به این که ما عمل مورد نظر را انجام داده ایم؛ ۳ تصدیق به بد بودن یا غیر اخلاقی بودن این عمل؛ ۴ سرزنش خودمان به دلیل، انجام دادن آن عمل طبق این برداشت عامل شرم و احساس گناه در تعامل با دیگران، انجام دادن رفتاری نادرست در حضور دیگران و ملامت شدن از سوی آنهاست [الیس، ۳، ۱۳۸۴] [۲۵]

پرسش مهم اینست که مفهوم حیا در متون دینی با مفهوم شرم در روانشناسی دارای چه وجوه تمایز یا تشابهی هست؟ این پرسش نیاز به تحدید تلاش تطبیقی دارد تا امکان دقیق‌تر مقایسه فراهم گردد به نظر می‌رسد برخی نگاهی کلی به این مقایسه داشته‌اند مثلاً دولابی [۲۶] شرم را حالتی میداند که فرد به خاطر انجام عملی که ممکن است به نظر دیگران یا حتی صرفاً به نظر خود او ناشایست باشد اندوهی به قلبش می‌رسد، و این احساس در چهره‌ی او نمایان شده و باعث دگرگونی هیئت فرد می‌شود بنابراین شرم مربوط به بدن و نفس است اما حیا یک نوع خودداری و مانع شدن است که ریشه در اراده انسان دارد این است که حیا را به عنوان یک صفت ارزشی مطرح کرده‌اند بنابراین در این تحقیق ما خود را در گستره آیات قرآن و برداشت از آن محدود کرده ایم و با توجه به یافته‌های روانشناسی نوین، تمایزها و تشابهات را مورد کنکاش قرار داده ایم تا کنون این دو سازه در ایران به شکل متمایز مورد توجه قرار گرفته، اما کمتر به شکل پژوهشی و تطبیقی، مقایسه‌ای بین آنها صورت گرفته است. با توجه به اهمیت مفهوم شناسی حیا

سرور [۱۹] در پژوهشی بانام "مقتضی الحیاء" با بیان اینکه حیا از صفات پیامبران و برگزیدگان الهی است آیاتی چند از قرآن کریم درباره‌ی حیای بعضی از جوارح همچون چشم و زبان را بررسی نموده و نتیجه می‌گیرد که هر آنچه که برای برخورداری از صفت حیا لازم است در قرآن بیان شده است

امیری [۲۰] در نوشتاری با عنوان "شرم و حیا در دیدگاه قرآن و سنت" برخورداری از حیا را یک فرمان الهی دانسته و معتقد است آثار ارزشمند حیا زمانی پدیدار می‌شود که در نهاد خانواده و اجتماع فرهنگ‌سازی بوجود آید

ماهینی [۲۱] در پژوهشی با عنوان "مفهوم شناسی حیا و عفاف آسیب‌ها و راهکارها" ضمن بیان ارتباط تنگاتنگ بین حیا و عفاف نتیجه‌گیری نموده که جلوه‌ی حیا و عفاف در زنان بیش از مردان است

بیات زاده [۲۲] در پژوهش خود با عنوان "شرم و حیا از منظر قرآن حکیم و حدیث" پس از بیان جلوه‌های حیا در گفتار و رفتار نتیجه گرفته که ایمان و حیا با هم ارتباط تنگاتنگی داشته و از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند

در مقالات و تحقیقات یادشده بیشتر به بیان اهمیت حیا و نشان دادن درجه فضیلت آن پرداخته شده است و به دلیل موضوع محور بودن و محدود نبودن جامعه تحقیق، جنبه روش‌شناختی و دستیابی به نتایج دچار نوسان است همچنین در بخش بررسی مفهوم حیا در قرآن، وجود استنادهای دقیق و معتبری در پیوند برخی موضوعات مطرح شده با حیا و تحلیل آیات دارای مشتقات حیا ضروری است از سوی دیگر واری‌ها می‌تواند با نتایج علوم دیگر که مدعی مفهوم‌سازی‌ها در مورد حیا هستند، مقایسه شود تا ابعاد دینی و فرهنگی و تمایزهای نظری و عملی آن هویدا گردد بدین خاطر در ادامه بحث نگاهی به مفهوم مشابه حیا در علم روانشناسی خواهیم داشت

در علم روانشناسی، شرم نزدیک‌ترین واژه به حیا است و عبارت است از هیجانی که معمولاً فرد هنگام ارزیابی توسط خود و یا دیگران و به هنگام سرپیچی یا ناتوانی در رسیدن به استانداردها و هنجارها و یا علایق و

1. Wong
2. Tsai
3. Ellis

ابزار پژوهش

ابزارهای اصلی مورد استفاده در این پژوهش فیش‌های أخذ شده از منابع مورد بررسی، براساس جستجو در متن و رجوع به نمایه‌ها و جستجو از طریق نرم افزارهای مرتبط در منابع الکترونیکی و کتابخانه‌ای در نمونه‌های دینی و علمی تحقیق، بوده است.

شیوه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل یافته‌های بدست آمده، نخست از توصیف و طبقه‌بندی استفاده شده است. این توصیف و طبقه‌بندی در مورد اطلاعات بدست آمده قرآن، انجام شده است سپس این توصیف و طبقه‌بندی براساس محتوای داده‌ها، متناسب با واحد تحلیل مضمون که واحدهای معنادار موجود در آیات قرآن بود، بر اساس مساله و اهداف تحقیق انجام شد و بر اساس محتوای مرتبط با موضوع، شباهت‌ها و تمایزهای آن، طبقه‌بندی صورت گرفت.

از طرف دیگر، محتوای بدست آمده از قرآن، با نتایج به دست آمده از علم روانشناسی در مورد شرم، به منظور دستیابی به تفاوتها و تشابهات مقایسه‌شد در مرحله نهایی به تحلیل کیفی و محتوایی نتایج پرداخته شد. جهت ترسیم طرحی مقدماتی، از پنجره رفتاری در مورد حیا، تلاش صورت گرفت.

نتایج

هدف اساسی تحقیق حاضر «تعیین مفهوم و ابعاد حیا در قرآن با نیم‌نگاهی به روانشناسی شرم و دستیابی به مدل مقدماتی حیا با توجه به آیات قرآن» بوده است بدین خاطر در این قسمت به ارائه یافته‌های مربوط به حیا در قرآن کریم و مدل برداشت شده از آن پرداخته خواهد شد.

۱- ماده‌ی حیا و مشتقات آن

واژه حیا در قرآن دقیقاً به همین شکل نیامده، اما مشتقات آن از مصدر «استحیاء» ده بار در آیات [۲۶ و ۴۹ بقره، ۱۲۷ و ۱۴۱ اعراف، ۶ ابراهیم، ۴ و ۲۵ قصص، ۲، بار در آیه ۵۳ احزاب و ۲۵ غافر] بکار رفته که با مفهوم

در متون دینی و مقایسه‌ی آن با مفهوم مترادفش در روانشناسی شرم و با توجه به تمهیدات یاد شده، و وجود تفاوتها و تشابهات و نوسانهای مفهومی در نگاه مرتبط با متون دینی و علم روان‌شناسی، در مورد حیا و شرم، مساله اساسی تحقیق حاضر در وهله نخست این است که مفهوم و ابعاد حیا در قرآن چیست و چگونه ترسیم شده است؟ دیگر اینکه آیا می‌توان از یک الگو یا مدل مقدماتی حیا مبتنی بر آیات قرآن سخن گفت؟ و اینکه تشابهات و تمایزات مفهومی و ابعادی حیا و شرم در قرآن با روانشناسی چه مواردی است؟

روش

نوع پژوهش

تحقیق حاضر توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای - اسنادی می‌باشد

جامعه و نمونه پژوهش

الف: جامعه‌ی تحقیق در برگیرنده دو گروه است: ۱ متن آیات قرآن ۲ منابع معتبر روانشناسی
ب: نمونه تحقیق:

ب-۱: نمونه تحقیق حاضر متناسب با جامعه‌ی مورد بررسی به شرح ذیل می‌باشد: ۱ آیات قرآن با بهره‌گیری از واژه‌شناسی حیا و مشتقات آن متکی بر برخی منابع تفسیری ۲ برخی از منابع معتبر روانشناسی، بویژه پژوهش‌های ارائه شده در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ به عنوان نمونه‌های پژوهشی در مورد روانشناسی شرم

ب-۲: شیوه نمونه‌گیری تحقیق: متناسب با جامعه مورد بررسی، نمونه‌گیری تحقیق حاضر نیز در دو گروه انجام شده است: ۱ قرآن: در این مورد شیوه نمونه‌گیری، شیوه سرشماری است یعنی تمامی آیات مرتبط با حیا و مشتقات آن مورد بررسی قرار گرفته است ۲ منابع روانشناسی: برخی از منابع معتبر و رایج در علم روانشناسی و مقالات علمی پژوهشی جدید در داخل و خارج از کشور مورد گزینش قرار گرفته است

بیان می‌دارد [۲۷]

فخر رازی با تاکید بر اینکه حیای خداوند تنزیه پروردگار از انجام دادن فعل قبیح است [۲۸] آغاز حیا را احساس سرشکستگی از انجام کار زشت و نتیجه آن را ترک فعل قبیح می‌داند از آنجا که انتقال از مبدأ [احساس سرشکستگی] به مقصد [ترک فعل قبیح] مستلزم تغییر در شرم‌کننده است و تغییر پذیری نیز از ویژگی‌های موجودات جسمانی است و خداوند از آن منزّه است، لذا انتساب صفت حیا به خداوند در واقع انتساب نتیجه آن به ذات پروردگار است بنا بر این حیای خداوند به این معناست که او از انجام دادن کار زشت منزّه می‌باشد [۲۸] از همین روی برخی مفسرین اظهار نموده‌اند که حیا، در بشر، تأثر و منفعل شدن از بدی، و درباره خداوند در اثر آن است، زیرا کسی که از عملی حیا کند خویشتن را از انجام آن عمل باز می‌دارد [۲۹]

ب (یَسْتَحِي: نسبت دادن حیا به پیامبر (ص) ب-۱) آیه: خداوند در آیه ۵۳ احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحِي مِنْكُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! این عمل، پیامبر (ص) را ناراحت می‌نماید، ولی از شما شرم می‌کند [و چیزی نمی‌گوید]»

ب-۲) توضیح: مفسران حیای پیامبر (ص) را سکوت برخاسته از حلم ایشان در برابر بی ادبی کسانی قلمداد کرده‌اند که با رفتار خویش موجب آزار آن حضرت شده بودند [۳۰] این عاشور با بیان اینکه آزاردهندگان گمان داشتند که اگر از سوی آن حضرت در نشستن طولانی مدت آنان محظوری وجود داشت، پیامبر (ص) ساکت نمی‌ماند و آنها را از چنین رفتاری باز می‌داشت، می‌گوید با توجه به جایگاه پیامبر (ص) و فراغت وی از شئون نبوت، سکوت وی به معنای رضایت ایشان نیست بلکه سکوت او از روی حیا بوده [۳۱] و به عبارت دیگر حیا مانع از آن می‌شود کم‌حیاپیشه بعضی کارها را انجام دهد [۳۲]

نکته حائز اهمیت در حیای پیامبر (ص) این است که آنچه پیامبر (ص) از آن حیا کرده، حق شخصی او در

«شرم داشتن» [چهار بار] و زنده نگه داشتن [شش بار] مرتبط است در مجموع ریشه ی «حیی» ۱۸۴ بار در قرآن کریم بکار رفته است در گام نخست، ابتدا مشتقات «حیا» مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در ادامه جمع بندی آن خواهد آمد

الف (لا يَسْتَحِي (۲ بار): نسبت دادن حیا به خداوند الف -۱) آیات: این مفهوم به صورت فعل منفی «لا يَسْتَحِي» در آیه ۲۶ بقره: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا» «خداوند از اینکه مثال [به موجودات ظاهرا کوچکی مانند] پشه و حتی بالاتر از آن بزند شرم نمی‌کند» و نیز در آیه ۵۳ احزاب «وَاللَّهُ لَا يَسْتَحِي مِنَ الْحَقِّ» «و خداوند از [بیان] حق، شرم ندارد» بکار رفته که در هر دو مورد عدم استحیا به خداوند نسبت داده شده است

الف -۲) توضیح: دانشمندان لغت در بیان عدم استحیای خداوند اظهار داشته‌اند که پروردگار کامل مطلق است و دارای ضعف و عیبی نیست تا باعث شرم او گردد [۱۳] با توجه به سخن ابن منظور که واژه «تؤبّه» را مترادف با حیا از ریشه ی «وَأَب» به معنای عیب گرفت [۷] می‌توان تنزیه پروردگار از هرگونه نقص را عاملی جهت عدم استحیاء پروردگار دانست تعبیر مصطفوی «أَنَّ الْقَضَايَا تَابِعَةٌ لِلْوَاقِعِ وَالْحَقِيقَةُ لَا لِلْعَرَفِ الْعَامِّ وَ مَا يَتَصَوَّرُهُ النَّاسُ مِنْ دُونِ تَعَقُّلٍ وَ تَبَصُّرٍ» [۱۳] بیان‌کننده این حقیقت است که به رغم آنکه تنزیه پروردگار از هرگونه عیب و نقص عاملی جهت عدم استحیاء پروردگار بشمار می‌رود اما نمی‌توان تصورات نابخردانه و عوام‌گرایانه را عاملی برای وقوع شرم از جانب خداوند تلقی نمود

برخی از مفسران در نسبت دادن فعل حیا به خداوند، سعی داشته‌اند تا آیات یاد شده را به گونه ای تأویل نمایند به طور مثال طبرسی منظور از عدم حیای خداوند در آیه ۲۶ بقره را عدم ترس و انصراف خداوند از انجام دادن فعلی می‌داند که برخلاف نظر بندگان، فی نفسه زشت نیست [۲۷] همچنین وی مراد از عدم حیای خداوند در آیه ۵۳ احزاب را عدم انصراف خداوند از بیان حق

همچون گام برداشتن دختران طاهر فاضل عقیف هنگام ملاقات با مردان می‌داند اما با این حال از توجه به ویژگی‌هایی همچون عدم بذله‌گویی، تبرج، تفاخر و اغواگری در تعامل با مردان غفلت نمی‌ورزد [۳۷]

البته باید به این نکته توجه داشت که یکی از مهمترین موضوعات مرتبط با حیا مساله پوشش است عبارت «قد سترت وجهها بثوبها» از طبری نشان می‌دهد که حیای دختر شعیب(ع) به پوشاندن صورت با لباس ارتباط یافته است [۳۸] ابن عاشور در این باره می‌گوید اگر چه پوشاندن صورت بر دختر شعیب (ع) واجب نبوده ولی پوشش دادن صورت با لباس اشاره به شدت حیای او دارد [۳۱]

بر اساس آنچه گذشت روشن می‌شود که حیا از منظر مفسران حقیقتی ذو وجوه است که دارای اشکال متعدد می‌باشد گاه با جایگاه و موقعیت افراد همچون شأن دختران خانه پیامبر، جایگاه زنان آزاد (در مقابل کنیز) و موقعیت دختران پاک و عقیف پیوند می‌خورد و گاه با ویژگی‌های گفتاری همچون عدم بذله‌گویی در تعاملات اجتماعی با مردان و گاه با ویژگی‌های رفتاری از جمله، عدم اغواگری، حفظ پوشش در تعامل با مردان، عدم سبکی در راه رفتن و عدم آشکار کردن زینت در ارتباط است

د) مشتقات حیا با مفهوم زنده نگه داشتن مشتقات حیا در قرآن در شش جا با مفهوم «زنده نگه داشتن» ارتباط دارد در آیات «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» «پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را [برای کنیزی] زنده نگه می‌داشتند» [بقره، ۴۹] - «وَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ» «و زنانشان را [برای خدمت] زنده می‌گذاریم» [اعراف، ۱۲۷] - «يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» «پسران شما را می‌کشند، و زنان شما را [برای خدمتکاری] زنده می‌گذارند» [اعراف، ۱۴۱] - «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» «پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را [برای خدمتکاری] زنده نگه می‌داشتند» [ابراهیم، ۶] - «يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ» «زنان آنها را زنده نگه داشت» [قصص، ۴] - «وَأَسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ»

بیرون راندن کسانی بوده که به طور ناخوانده و بدون اجازه وارد منزل آن حضرت شده و در آنجا مانده بودند [۳۳] بنا بر این متعلق حیای پیامبر (ص) یک امر شخصی و خاص بوده [۳۱] که در این گونه موارد اصول اخلاقی ایجاب می‌کند که پیامبر (ص) خود شخصا از حق خویش دفاع نکند بلکه خداوند به دفاع از او پردازد [۳۴]

ج) استَحْيَاء: حیا محافظ نفس ج-۱) آیه: قرآن در آیه ی ۲۵ سوره ی قصص می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ» «پس ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد در حالی که با حیا گام برمی‌داشت [و] گفت پدرم از تو دعوت می‌کند»

ج-۲) توضیح: دانشمندان لغت استحياء را با حفظ نفس از ضعف و نقصان و دوری از هرگونه عیب و زشتی مرتبط می‌دانند تعبیر مصطفوی «و أمّا الاستحياء فمرجعه إلى حفظ النفس عن الضعف و النقص، و البعد عن العيب و الشين و ما يسوءه» [۱۳] به خوبی نشان می‌دهد عنصر حیانت نفس و دوری از زشتی‌ها با موضوع حیا ارتباط تنگاتنگ دارد

اما در باره این پرسش که حیای دختر شعیب(ع) در راه رفتن به چه شکل بوده که در کلام خداوند از آن با تعبیر «تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» یاد شده، باید گفت که مفسران وجوه مختلفی را در کیفیت حیای دختر شعیب(ع) بیان نموده‌اند

مکارم شیرازی مراد از آن را آشکار بودن عفت و نجابت از طرز راه رفتن دختر شعیب (ع) می‌داند [۳۴] ابن عاشور می‌گوید مراد از اینکه دختر شعیب (ع) در راه رفتن حیا داشت آن است که سبک راه نمی‌رفت و در راه رفتن به سمت راست و چپ مایل نمی‌شد و زینت خود را آشکار نمی‌کرد [۳۱]

خطیب گام برداشتن دختر شعیب (ع) را همچون راه رفتن زنان عقیف و شایسته و در شأن دختران خانه پیامبر می‌داند [۳۵] و ابن کثیر آن را همچون راه رفتن زنان آزاد بیان می‌کند [۳۶]

سید قطب اگر چه راه رفتن دختر شعیب(ع) را

[غافر ، ۲۵] «و زنانشان را [برای اسارت و خدمت] زنده بگذارید» که به دلیل متفاوت بودن با مساله پژوهش حاضر از بحث راجع به آن صرف نظر می شود

۲- الگوهای حیا در قرآن

در قرآن کریم حضرت آدم(ع) و حوا، موسی(ع)، یوسف(ع)، مریم(س)، دختر شعیب(ع)، ساره و ایوب(ع) به عنوان الگوهای حیا مطرح شده اند

۱) آدم(ع) و حوا

خداوند در سوره اعراف آیه ۲۲ به داستان حضرت آدم(ع) و حوا اشاره نموده و می فرماید: «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (اعراف ، ۲۲) «و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [عورتشان] بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند»

باید اذعان داشت که حیای آدم(ع) و حوا یکی از مهمترین الگوهای حیا در گستره پوشش است از اینرو خطیب آن را لباس انسانیت بر شمرده و می گوید خداوند بشر را با صفت حیا آراست و اول چیزی که از صفات انسانیت بر آدم(ع) و حوا آشکار شد ستر عورت با برگ های درخت بود [۳۵]

سخن ابوزهو در تفسیر آیه ۲۲ از سوره اعراف حاکی از فطری بودن حیا و رساندن این ندا به همه فرزندان آدم است آنچه که تعبیر «إلى ذلك الحياء الفطري» به صراحت بر آن تصریح می کند [۳۹]

۲) حضرت موسی(ع)

حضرت موسی(ع) به عنوان پیامبر الهی مصداق کمال و الگوی حیا است طبرسی در تفسیر آیه ی ۲۵ سوره ی قصص گفته است که یکی از دختران شعیب(ع) پیش موسی(ع) برگشت [وسفارش پدر را گفت] موسی(ع) در پی دختر براه افتاد، در بین راه متوجه شد که باد لباس دختر را به بدنش می چسباند و اندام او را نمایان می سازد [از آن جا که عصمت و عفت موسی(ع) اجازه دیدن چنین منظره‌ای را نمی داد] به دختر گفت: تو از پشت سر

من بیا و با گفتارت مرا راهنمایی کن [۲۷] نکته حائز اهمیت در موضوع حیای موسی(ع) آن است که هرچند حیا به لحاظ نظری معلول باورها و ارزش ها است و در وجود فرد به عنوان یک نظام معنایی پایدار گردیده است اما در برگیرنده مجموعه رفتارهای قابل مشاهده ای است که در عرصه زندگی فردی و اجتماعی نمود می یابد [۴۰] از جمله نمود های حیا در زندگی موسی(ع) آن است که رسول خدا (ص) درباره ایشان فرموده است «إِنَّ مُوسَى كَانَ رَجُلًا حَيًّا سَتِيرًا لَا يَكَادُ يُرَى مِنْ جِلْدِهِ شَيْءٌ اسْتَحْيَاءً مِنْهُ» [موسی(ع) مردی با حیا پوشیده بود که به دلیل حیایش هیچ نقطه از بدن وی دیده نشد] همچنین سخن آن حضرت که با وجود آنکه بنی اسرائیل هنگام شستشو عریان بودند اما موسی(ع) با حیا بود و هنگام شستشو پوشیده بود [۳۸] نشان می دهد که موسی(ع) به عنوان الگوی حیا هرگز تحت تاثیر رفتارهای نابخردانه و عوام گرایانه قوم خود قرار نگرفته و همواره شیوه رفتاری متناسب با حیا را اتخاذ می نمود فرموده رسول خدا(ص) «إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْمَاءَ لَمْ يَلْقَ ثَوْبَهُ حَتَّى يُوَارِيَ عَوْرَتَهُ فِي الْمَاءِ» [۴۱] موسی(ع) هر گاه می خواست وارد آب شود، لباس [زیرین] از تن در نمی آورد تا این که عورت او در آب پنهان شود» نیز مویدی بر این مدعا است

با وجود آنکه توجه به حیا و تاسی به رفتار معصومین(ع) ضرورتی اجتناب ناپذیر در تعاملات اجتماعی است ولی با این حال باید اذعان داشت که قوم موسی(ع) نه تنها به رفتار پیامبر خود توجه نکردند بلکه او را به بیماری متهم نمودند در تفاسیر شیعه و اهل سنت آمده است که به علت آنکه موسی(ع) بر پوشیدگی خود بسیار محافظت می کرد، قوم او گمان بردند وی بیمار است و به جهت وجود نقص در جسم نظیر پیسی و جذام، خوشتن را از آنان می پوشاند [۲۷] زیرا او همواره شستشوی بدن را در مکانی انجام می داد که احدی او را نبیند [۴۲] تا آنکه روزی قوم موسی(ع) هنگامی که وی برای شستشو [به کنار نهری] رفت و جامه خود را روی سنگی قرار داد و سنگ جامه اش را برد و عریان به دنبال

آن رفت، موسی(ع) را مانند بهترین مردان دیدند [۲۶]

۳- حضرت یوسف(ع)

حضرت یوسف(ع) از دیگر الگوهای حیا در قرآن است زمانی که همسر عزیز مصر علت زندانی نمودن یوسف(ع) را تقاضای نامشروع و مراوده با او می‌داند، یوسف(ع) خطاب به خداوند می‌فرماید: « قَالَ رَبِّ السُّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصَبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ [يوسف، ۳۳] » [یوسف] گفت: «پروردگارا زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن فرا می‌خوانند و اگر نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود»

آنچه باعث شده تا یوسف(ع) در چنین شدتی باعزم و شجاعت رو به آسمان کرده و پروردگارش را فرا خواند، نور ایمان، عفت و تقوایی بوده که در قلب یوسف(ع) وجود داشته [۳۴] یعنی همان چیزی که بنا به گفته ابن کثیر در رویت یوسف(ع) از سوی زنان مصر مشهود بوده [۳۶] و ایشان از خداوند خواست تا او را بر این ویژگی پایدار گرداند [۴۳]

۴- حضرت مریم (س)

یکی دیگر از مهمترین الگوهای حیا، حضرت مریم (س) است خداوند در سوره مریم در آیه ۱۶ تا ۲۰ می‌فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَّتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا * فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا * قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا * قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا * قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا »

«در این کتاب از مریم یاد آر، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت پس حجابی میان خود و آنها افکند در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص بر وی ظاهر شد [مریم] گفت من به خدای رحمن از تو پناه می‌برم اگر پرهیزگار هستی او گفت من فرستاده پروردگار توام [آمده‌ام] تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم!

[مریم] گفت چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام؟!»

برخی مفسرین معتقدند آنچه باعث شد تا مریم (س) به هنگام بارداری از میان قوم خویش به سمت مشرق بگریزد حیای او بوده است سخن سیوطی «هربت حیاء من قومها فأخذت نحو المشرق» [۴۱] و نیز گفته مغنیه «مهما يكن فإن مریم لما أحست بالحمل ابتعدت عن أهلها حیاء و تحرجا» [۳۳] و تعبیر ابوحنبلان «فارتمت به إلى مكان قصی حیاء و فرارا» [۴۴] به خوبی نشان می‌دهد عامل گریختن مریم از میان قوم خویش حیای او بوده است که تا هنگام وضع حمل نیز با گفتن «یا لیتنی میتٌ قبلَ هذا» «ای کاش پیش از این مرده بودم» تجلی می‌یابد [۴۵]

۵- دختر شعیب (ع)

پیش از این راجع به حرکت توأم با حیا دختر شعیب به هنگام بازگشت نزد موسی(ع) و گفت‌وگو با وی درآیه ی ۲۵ سوره ی قصص سخن به میان آمد (۶ ساره

خداوند در سوره ذاریات آیه ۲۹ در مورد ساره همسر ابراهیم (ع) می‌فرماید «فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَءٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ» «سپس زنش با فریاد پیش آمد و بر چهره‌ی خود زد و گفت: [من] پیرزنی نازایم»

برخی مفسرین در توضیح «فَصَكَتْ وَجْهَهَا» به صورت زدن دستها از سوی ساره را نشان از شدت تعجب و حیای او دانسته اند [۴۶]

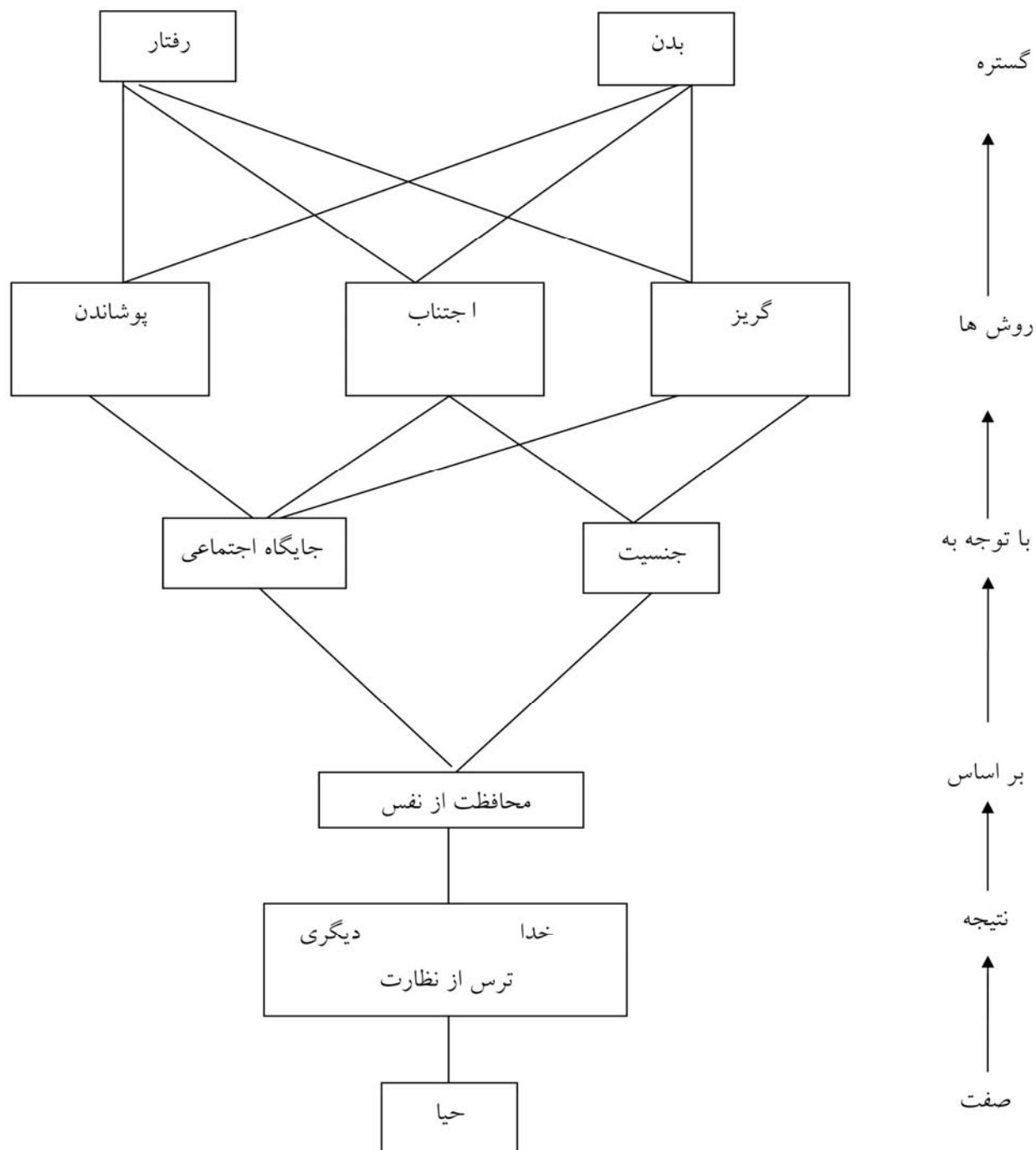
(۷ ایوب

خداوند در سوره انبیاء آیه ۸۳ راجع به درخواست ایوب (ع) سخن به میان آورده و می‌فرماید «وَ أَيْتُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» برخی از مفسرین وادیبان تصریح نموده اند که بهره مندی ایوب(ع) از نعمت الهی به مدت هشتاد سال باعث شد تا در چند روزی که دچار محنت گردیده بود، از خداوند حیا نموده و خواسته خود که رهایی از بیماری است را مطرح

نموده [۴۷] و به طور آشکار از آن سخن نراند [۴۸]

۳- طرح مقدماتی مدل حیا

در مجموع با توجه به آنچه که گفته شد شکل ۱ می‌تواند بطور فشرده نتایج مورد نظر را نمایان سازد این طرح مقدماتی بیانگر مفهوم و ابعاد حیا در قرآن است که



شکل ۱: طرح مقدماتی حیا مبتنی بر برداشت از آیات قرآن

بحث و نتیجه گیری

ونقص ها محافظت می کند بنا بر این معیار اساسی در قرآن، خداوند است مردم دیگری نیز باید بر همین معیار مورد سنجش قرار گیرد و بر آن برتری ندارد اما باید توجه داشت که رعایت حیا در قرآن بدون توجه به شرایط آدمی در نظر گرفته نشده است نکته مهم این است که مسئله جنسیت و نیز شرایط و موقعیت فرد، می تواند زمینه بکارگیری حیا را دچار نوسان کند (۳) باتوجه به یافته ها و طبقه بندی نتایج ناشی از واریسی آیات قرآن، پژوهش حاضر کوشیده است مدلی را مطرح نماید در این مدل حیا بعنوان یک ویژگی مهم و محوری زیربنای بسیاری از رفتارها در توازی با عقل و معرفت تنظیم گردیده است که دائماً با مجموعه‌ای از معیارهای درونی شده در تماس است و با توجه به شرایط متعدد می تواند بروز یا عدم بروز خود را سامان بخشد در واقع باید مدل را یک حرکت مقدماتی تلقی کرد که نیازمند تکمیل شدن و سپس نیازمند تنظیم جایگاه حیا در بین دیگر متغیرها، مانند شیوه درونی کردن معیارها یا نحوه مسئولیت پذیری و غیره است نباید حیا را منفک نگریست، چه حتی با پذیرش تناسب مدل کنونی، باز هم نیازمند بررسی ارتباط آن با دیگر متغیرهای رفتاری هستیم مثلاً هنگامی که فرد می داند معیار چیست اما نمی تواند آن را در رفتار خود در نظر بگیرد و شرمند می شود، و باز هم در موقعیتی مشابه، آن رفتار را تکرار می کند، علت چیست؟ پیامد آن چیست؟ آیا بلافاصله با عزت نفس فرد که به شکل مستمر متأثر می شود، سروکار نداریم و به تبع آن با خودکارآمدی خدشه دار شده فرد روبرو نیستیم پس به سادگی نمی توان، به شکل منفک بدون دیدن ارتباط تنگاتنگ متغیرها از حیا صحبت کرد

۴) شباهت و تفاوت های حیا و شرم

الف) حیا در متون دینی در زمره رفتارهای پسندیده اخلاقی و به قول پیامبر(ص)، خلق و خوی اسلام است در روانشناسی نیز شرم، در زمره هیجان های مهم اخلاقی و دارای نقش کلیدی در پرورش رفتار اخلاقی است بنابراین

۱) تحقیق حاضر، کوشیده است درعین اینکه مفهوم و ابعاد حیا را در آیات قرآن استخراج می کند به طبقه بندی آن و أخذ مفهوم حیا نزدیک شود آیا ما به این هدف دست یافته ایم ظاهراً باید پاسخ مثبت داد، اما حقیقت این است که آیا پیش از این پژوهش بخشی از مطالب توسط دیگر مؤلفان مطرح نشده است؟ بدین سؤال می توان با استناد به پیشینه های ارائه شده در طرح مسئله پاسخ مناسب داد نکته مهم در این تحقیق به دو بخش باز می گردد: نخست اینکه ممکن است یافته‌ها با دقت هایی گسترش یافته باشند که در تحقیقات دیگر کمتر مشاهده شده است اما دومین نکته این است که تلاش پژوهش این بود که خود را در محدوده خاصی، محصور نماید، و روش خود را تا حد ممکن عینی تر مطرح کند پس تکیه بر نوعی متدولوژی عینی، شاید صحت بیشتر یافته ها را در برابر بیانات پراکنده و گاه متکی به منابع متکثر آشکار سازد.

۲) همانگونه که پیشتر اشاره شد، سوال نخست تحقیق به چیستی حیا و ابعاد آن در قرآن باز می گشت واریسی ها نشان داده که واژه حیا دقیقاً به همین شکل در قرآن مورد اشاره قرار نگرفته اما مشتقات آن با الفاظی از مصدر «استحیاء» ده بار که با مفهوم «حیا داشتن» چهار مرتبه و با مفهوم دیگر شش بار به کار رفته است در چهار آیه فوق حیا هم به خداوند و هم به پیامبر اکرم(ص) نسبت داده شده است که چنین نسبتی، نشانگر جایگاه صفت «حیا» در اسلام است از سوی دیگر حیا می تواند جنبه های مثبت یا منفی داشته باشد چه اینکه هنگامی که فعل حقی مطرح است، نیاز به حیا نیست همواره برای آدمی معیارهایی وجود دارد که این معیارها هنگامی که با عقل و معرفت آدمی در توازی با رفتار وی ارزیابی می شود می تواند حیا را بوجود آورد پس حیا به دلیل وجود «ترس از سرزنش» غیر، برانگیخته می شود از سوی، حیا از نفس آدمی در قبال زشتی ها، بدی ها

حمایت نماید البته این ابزار در دوره کوتاهی مؤثر است نه در دراز مدت (تانجینی ودرینگ، ۲۰۰۲) اما در آیات وروایات معیار محوری و اساسی، خداوند و ابزار تشخیص، عقل تعیین شده است در واقع در آیات، معیارها از آموزه های دینی و فرهنگی اخذ می شوند و در روانشناسی از محیط بیرونی که می تواند جنبه دینی داشته باشد یا نداشته باشد و تعیین کننده معیارها دیگران هستند در حالیکه در آیات، آموزه های الهی محور است

ه) در متون اسلامی، حیا نوعی خویشتن داری ارادی فرد در انجام اعمالی که خلاف قاعده و شأن شرعی و عرفی می باشد، است حیا در حقیقت نوعی توانایی است، وقتی انسان تمایل دارد مثلاً نسبت به بزرگتر خویش از جمله پدر، مادر، معلم و یا مربی خود رفتاری مبتنی بر بی حرمتی نشان دهد و از عهده انجام چنین کاری نیز برمی آید، ولی به دلیل داشتن صفت حیا خویشتن داری کرده، آن را انجام نمی دهد، نوعی توانایی و قدرت را از خود به نمایش گذاشته است بنابراین وجه مثبت و گاه ممکن است در افراط و تفریط وجه منفی پیدا کند اما شرم خجالتی است که شخص از نقص و عدم کمال خود دارد و حالتی است که فرد به خاطر انجام عملی که ممکن است به نظر دیگران یا حتی صرفاً به نظر خود او ناشایست باشد اندوهی به قلبش می رسد، و این احساس در چهره ی او نمایان می شود؛ و در این حالت هیبت فرد دگرگون می شود

و) در روان شناسی امروزی، شرم در توازی معنایی با حیا قرار دارد آن چه که ما بدست دادیم، نشانگر نزدیکی ها یا دوری های این دو مفهوم با یکدیگر بود البته باید بگوییم نزدیکی ها بر دوری ها بطور کلی غالب بود اکنون از خود می پرسیم، آیا ما توانسته ایم تمام دیدگاه ها و نظرگاه های روان شناختی را در مورد شرم مورد توجه قرار دهیم و از آن در تطبیق و مقایسه بهره ببریم؟ در واقع ما به وضعیت کلی شرم در روان شناسی توجه کردیم و نه دیدگاه های نظری متعدد

از طرف دیگر در روان شناسی وقتی که متغیری مطرح می شود، جایگاه آن و بسیاری از ابهامات متعدد در مورد

در روانشناسی و برداشت ما از متون دینی در ارتباط با حیا و شرم، شرم یا حیا بنیادی تر از بسیاری از رفتارهای دیگر تلقی می شود

ب) حیا از دیدگاه دانشمندان اسلامی اولین نتیجه ی ظهور قوه تمیز در انسان است که از همان اوان طفولیت بروز می کند، در روانشناسی نیز شرم، حسی بنیادین و عام است که واکنش مهم و هیجانی فرد به تخطی از کدهای اخلاقی تلقی می شود

ج) راهها و روشهایی که درباره شرم در روانشناسی مورد اشاره است، در این جا نیز دیده می شود مثل گریز، اجتناب یا پوشاندن البته اجتناب در روانشناسی شناختی امروزی، بسیار زیاد مورد توجه قرار گرفته که هم دارای جنبه های منفی و هم مثبت می تواند باشد

د) تمایز اساسی و بنیادین در همان نکته ای است که وجه مشترک حیا در آیات و روایات و روانشناسی شرم است، یعنی وجود معیارهای مهمی که فرد بدان ها آگاه است و تخطی از آنها، موجب شرم در فرد می شود این امر باید مورد توجه قرار گیرد که معیارها در روانشناسی از محیط بیرونی با نوعی درونی سازی فرد اخذ می شوند و تمایزها به فرهنگ های مختلف باز می گردد زیرا شرم، هیجانی است که مشمول تحول می شود یعنی نیازمند درکی از «خویشتن» و نیز «معیارهای اجتماعی و اخلاقی»، در طی تحول عقلانی و عاطفی است (لویز، ۴، ۱۹۷۱) [۴۹] [و نیز شرم هم هیجانی «خودآگاه» محسوب می شود و هم «اخلاقی»: چه که فرد درگیر ارزیابی از خود است و اخلاقی محسوب می شود چون نقش مهمی در پرورش رفتار اخلاقی ما داراست (تانجینی ودرینگ، ۶، ۲۰۰۲)

[۵۰] و در عین حال یک واکنش هیجانی به تخطی از کدهای اخلاقی درونی ماست (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۴) [۵۱] و یکی از پیامدهای «شرم»، بیرونی کردن سرزنش برای دفاع از خود است، یعنی دیگری را مقصر دانستن چون فرد مصمم است تا از عزت نفس خود

1. Lewis, H. B.

2. Tangney, J. p.

3. Dearing, R. L.

4. Thompson, T.

منابع

- آن در تعیین نوع رابطه با دیگر متغیرها مشخص می‌شود و یا برخی از مسائل مرتبط با آن در گستره‌های دیگر علم پاسخ داده می‌شود؛ مثلاً این که معیارهای مطرح شده چگونه درونی می‌شود ممکن است در بحث خود شرم مورد توجه قرار نگیرد، اما اساس این امر یعنی چگونگی درونی‌سازی جهان برونی، گستره‌ی دیگری از بحث علم روان‌شناسی است پس ما در طرح مدل کنونی فقط توانسته‌ایم به نکاتی نزدیک شویم که نیازمند گسترش و یا تعیین ارتباطش با دیگر متغیرهای رفتاری یا اجتماعی و فرهنگی است
- ۵) باید اشاره کنیم که بدون تردید حرکت تحقیق حاضر، تلاشی محدود است، چرا که، اولاً آنچه بدست آورده شده و طبقه‌بندی گردیده، به نگاه ما وابسته است، ثانیاً واژه‌ها معیار جستجوی ما بوده‌اند، این امر در تلاش اولیه غیر قابل اجتناب است، اما واژه‌ها در متن‌های متعدد می‌توانند با توجه به زمینه‌ای که در آن مطرح شده‌اند، جلوه‌های ظریفی را نمایان کنند طرح مدل یا الگوی ترسیمی، ادعای متمایز دیگر این تحقیق است، اما ما باید اعتراف کنیم که مدل ترسیمی، نگاه ماست به متغیرهای اخذ شده از آیات مورد بررسی در واقع کوشیده‌ایم بین ابعاد و انواع حیا، نوعی ارتباط ارگانیک ایجاد کنیم چون برداشت از آیات قرآن حاصل ذهن محقق و بر اساس برخی تفاسیر قرآن است و به سادگی ادعای واقعی بودن مدل را نمی‌توان مطرح کرد به همین خاطر ما از طرح «مقدماتی» سخن گفتیم واژه «مقدماتی» ناظر به این است که اولاً گام‌های زیادی لازم است تا این طرح کامل تر و گسترده تر شود، ثانیاً ناظر به این است که یک برداشت اولیه بر حسب نگاه محقق و توان کنونی علمی ماست بنابراین نباید ادعای بیشتری را مطرح نمود پس با بیم و امید چشم به پژوهش‌های آتی خواهیم داشت
- ۱- ابن ماجه قزوینی، محمدبن یزید (۱۳۹۵) سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث ج ۲، ص ۱۳۹۹
- ۲- متقی هندی، علی (۱۳۹۷ق) کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تصحیح صفوة السقا، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، اول، ح ۵۷۶۱
- ۳- مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۱) بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات ج ۶۸: ۳۳۳
- ۴- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه (۱۴۰۴ ق) تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، دوم، تصحیح: علی اکبر غفاری: ۸۴
- ۵- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵) المصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره، اول ج ۲: ۱۶۰؛ مصطفوی، حسن (۱۴۳۰) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه ج ۲: ۳۹۱
- ۶- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق) کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم ج ۵، ص ۳۸
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰) لسان العرب، بیروت، دار صادر، اول ج ۱۴، ص ۲۱۷
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، اول، ۲۷۰
- ۹- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵) مجمع البحرین، محقق: حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی، سوم ج ۱، ص ۱۱۶
- ۱۰- رازی، یحیی بن معاذ (۱۴۲۳ق) جواهر التصوف محقق / مصحح: سعید هارون عاشور، مکتبه الآداب، قاهره چاپ: اول ۸۸

- ۱۱- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۳ق)، جامع السعادات تصحیح: محمد کلاتر مطبعة النجف ج ۲: ۳۹۷
- ۱۲- ابن فارس، احمد (۱۴۱۱) معجم مقائیس اللغه، بیروت، دارالجمیل ج ۶: ۱۳۲
- ۱۳- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۳: ۱۱۸
- ۱۴- غزالی، محمد بن محمد (بی تا) احیاء علوم الدین، بیروت دار الکتب العربی ج ۸: ۱۳۰
- ۱۵- عمرو، محمد حلمی خالد (۱۳۸۹) اخلاق المومن، ترجمه: سمیه اسکندری فر، واسع، چاپ سوم
- ۱۶- حرزاده، محمدمهدی (۱۳۸۳) حیا زیبایی بی پایان، قم، شفق
- ۱۷- بانکی پور فرد، امیر حسین (۱۳۸۴) حیا، اصفهان، حدیث راه عشق
- ۱۸- پسندیده، عباس (۱۳۸۳) پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، دارالحدیث، پنجم
- ۱۹- سرور، عبدالحکیم محمد (۱۳۹۳ق) مُقتضی الحیاء، منبرالاسلام، العدد ۵، ۱۸۱
- ۲۰- امیری، سید امیر (۱۳۸۹) شرم و حیا در دیدگاه قرآن و سنت، وبلاگ تخصصی حقوقی
- ۲۱- ماهینی، انسیه (۱۳۸۹) مفهوم شناسی حیا و عفاف آسیب‌ها و راهکارها، نشریه فلسفه کلام عرفان، شماره ۱۰، صص ۷۹-۱۰۴
- ۲۲- بیات زاده، اعظم (۱۳۸۷) شرم و حیا از منظر قرآن حکیم و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اراک
- ۲۳- روشن چسلی، رسول، عطری فرد، مهدیه، نوری مقدم، ثنا، (۱۳۸۶) بررسی اعتبار و پایداری سومین نسخه تجدید نظر شده مقیاس عاطفه خودآگاهی برای بزرگسالان (TOSCA-3) (مجله روانشناسی بالینی و شخصیت دانشور رفتار، ش بیست و پنج، ص ۳۲
- ۲۴- تنها، زهرا؛ رحمانی، سوده؛ نیک پور، روشنگر (۱۳۹۱) تحول شرم و گناه، وبلاگ تخصصی دانشجویان دکترای روانشناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی
- ۲۵- ایس، آلبرت (۱۳۸۴) احساس بهتر شدن و بهتر ماندن، ترجمه مهرداد فیروزبخت، رسا، چهارم
- ۲۶- دولابی، اسماعیل (۱۳۸۵) مصباح الهدی (سخنان مرحوم)، مؤلف: مهدی طیب، سفینه، هشتم
- ۲۷- ۲ طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، سوم ج ۱: ۱۶۵
- ۲۸- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰) التفسیر الکبیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، سوم، ج ۱، ۱۴۱
- ۲۹- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲) پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چهارم ج ۱، ص ۱۰۱
- ۳۰- طوسی، محمد بن محمد نصیر الدین (۱۳۵۶)، اخلاق ناصری، تهران، چاپ مجتبی مینوی و علیرضا حیدری ج ۸: ۳۵۷
- ۳۱- ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۴۲۰، التحریر و التنویر، موسسه التاریخ، بیروت، اول
- ۳۲- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، سوم ج ۳، ۵۵۵.
- ۳۳- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴) تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامی، تهران، اول، ج ۶، ۲۳۵

- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱) الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، اول، ج ۱۷، ص ۴۰۰
- ۳۵- خطیب، عبدالکریم (بی تا) التفسیرالقرآنی للقرآن، قاهره، دارالفکر العربی ج ۱۰، ص: ۲۳۶
- ۳۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت ج ۶، ۲۰۵
- ۳۷- ابن قطب، سید بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲) فی ظلال القرآن، دارالشروق، قاهره، هفدهم
- ۳۸- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲) جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، اول ج ۲۰، ۳۸
- ۳۹- ابوزهو، محمد (بی تا)، زهره التفاسیر، دار الفکر، بیروت، اول، ج ۶
- ۴۰- قطبی، ثریا و دیگران (۱۳۹۳) تحلیل ابعاد و مولفه های اعتقادی سبک زندگی اسلامی در آموزه های رضوی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۰، سال هیجدهم، شماره سوم
- ۴۱- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، اول ج ۵: ۲۲۳.
- ۴۲- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳) تفسیر القمی تحقیق: طیب موسوی جزایر، دار الکتب، قم، سوم ج ۲، ۱۹۷.
- ۴۳- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول
- ۴۴- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰) البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، دار الفکر، بیروت، اول ج ۷: ۲۳۵
- ۴۵- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴) تقریب القرآن الی الاذهان، دار العلوم، بیروت، اول، ج ۳: ۴۲۷
- ۴۶- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳) تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، اول ج ۴: ۲۶۲
- ۴۷- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶) تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران ج ۶، ص: ۹۴
- ۴۸- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲) بیان المعانی، مطبعة الترقی، دمشق، اول، ج ۴: ۳۲۱
- 49- Lewis H B (1971) Shame and guilt in neurosis NEW YORK : International Universities Press
- 50- Tangney, J P & Dearing, R L (2002) Shame and guilt New York & London: The Guilford Press
- 51- Thompson, T, Altmann, R & Davidson, J (2004) shame-proneness and achievement Personality and Individual Differences, 36, 613-627.